

مقایسه هوش هیجانی و خودپنداره دانش‌آموزان تیزهوش و عادی

سیف الله آقاجانی^۱، دکتر محمد نریمانی*^۲، مریم آسیائی^۳

پذیرش نهایی: ۸۷/ ۸ / ۵

تجدید نظر: ۸۷/ ۲ / ۲

تاریخ دریافت: ۸۶/ ۵ / ۲۲

چکیده

هدف: این پژوهش، بررسی رابطه هوش هیجانی با خودپنداره دانش‌آموزان عادی و تیزهوش است. همچنین مقایسه این دو متغیر در میان دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دومین هدف مطالعه حاضر بوده است. **روش:** به همین منظور ۴۰۰ نفر دانش‌آموز مقطع متوسطه (۲۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر عادی و ۲۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر تیزهوش) شهر اردبیل به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه خودپنداره راجرز، پرسشنامه هوش هیجانی شوت و همکاران و آزمون هوش کتل فرم A استفاده شده است. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که هوش هیجانی و خودپنداره و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر تیزهوش از دانش‌آموزان دختر عادی به طور معناداری بیشتر است. همچنین میانگین هوشبهر و خودپنداره دانش‌آموزان پسر تیزهوش از دانش‌آموزان پسر عادی به طور معناداری بالاتر است. اما بین هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر تیزهوش و دانش‌آموزان پسر عادی تفاوت معناداری یافت نشد. در بین دانش‌آموزان تیزهوش، میانگین خودپنداره و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر به طور معناداری از دانش‌آموزان پسر بیشتر است. بین هوشبهر این دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین در بین دانش‌آموزان عادی، میانگین هوشبهر دانش‌آموزان پسر به طور معناداری از دانش‌آموزان دختر بیشتر است. اما میانگین خودپنداره دانش‌آموزان دختر به طور معناداری از دانش‌آموزان پسر بیشتر است. بین هوش هیجانی این دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در مراکز آموزشی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی علاوه بر رشد شناختی به عاملهای هیجانی آنان نیز توجه شود.

واژه‌های کلیدی: تیزهوش، هوش هیجانی، خودپنداره.

مقدمه

(پارکر و همکاران، ۲۰۰۴b) و با رفتارهای خلاف مقررات آموزشی مدرسه مانند غیبت غیرمجاز و اخراج از کلاس درس همبستگی منفی دارد (پیترایدز و فردریکسون و فارنهام، ۲۰۰۴). بر این اساس مفهوم هوش هیجانی را می‌توان در موقعیتهای آموزشی به کار برد (بار-آن، ۱۹۹۷).

اگرچه ادبیات زیادی درباره گسترش مهارتهای هیجانی (مثل سارنی^۶، ۱۹۹۹؛ به نقل از دهشیری، ۱۳۸۱) و رفتارهای اجتماعی مثبت وجود دارند، اما ابعاد هوش هیجانی کمتر درک شده است. سارنی توضیح می‌دهد که سازه مهارتهای هیجانی وسیع‌تر از هوش هیجانی است؛ زیرا آن شامل همدلی، ویژگیهای

محققان بسیاری (برگر و میلیم، ۱۹۹۹؛ جان سون ۱۹۹۷؛ مایر و سالووی، ۱۹۹۷) معتقدند که هوشبهر به تنهایی در بهترین حالت خود، مقدار نسبتاً کمی از واریانس موفقیت‌های تحصیلی و زندگی را تبیین می‌کند. و بخش عمده موفقیتها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موارد وابسته به مهارتهایی است که هوش هیجانی^۱ را تشکیل می‌دهند (احمدی رقی‌آبادی، ۱۳۸۴).

هوش هیجانی عبارت است از ظرفیت ادراک^۲، ابراز^۳، شناخت^۴، کاربرد و مدیریت^۵ هیجانها در خود و دیگران (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). در بیشتر پژوهشها، هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی همبستگی مثبت

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز اردبیل

*۲- نویسنده رابط: دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی: اردبیل انتهای دانشگاه - گروه روان‌شناسی

۳- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

مؤلفه‌های هوش هیجانی مانند ادراک هیجانات، پذیرش، فهم و کنترل هیجانش نسبت به دانش‌آموزان عادی نمره بالایی کسب کردند (احمدی رق آبادی، ۱۳۸۴).

اما بدیهی است که توجه به مهارت‌های هیجانی به تنهایی و بدون در نظر گرفتن ابعاد شناختی مانند خودپنداره منطقی به نظر نمی‌رسد. خودپنداره شامل نگرشها، احساسات و دانش ما درباره توانایی، مهارت و قابلیت پذیرش اجتماعی است. خودپنداره همه ابعاد شناختی، ادراکی، عاطفی و رویه‌های ارزیابی را در برمی‌گیرد. جامعه‌شناسان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت مدتهاست که ارتباط بین خودپنداره مثبت و عملکرد تحصیلی به مثابه پیوندی مهم و هم‌سطح با ارزیابی عملکرد تحصیلی در نظر گرفته شده‌اند. خودپنداره براساس قضاوت‌های قبلی، ادراکات و بازخوردهای دیگران و افراد مهم در زندگی انسان شکل می‌گیرد و مفهوم و ادراک فرد از توانایی خودش برای یادگیری یکی از انواع پذیرفته‌شده رفتار تحصیلی و عملکرد از لحاظ پیشرفت تحصیلی است (کروثی، ۱۳۸۲).

پژوهش‌های خلیلی (۱۳۷۵) نشان دادند که دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر از خودپنداره بالاتری برخوردارند، و نیز دانش‌آموزان سرآمد نسبت به دانش‌آموزان عادی از خودپنداره بالاتری برخوردار هستند (به نقل از دهشیری، ۱۳۸۱). پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که کودکان تیزهوش^{۱۳} از نظر هیجانی باثبات و متکی به نفس هستند، در برابر اختلالات عصبی و روانی کمتر از کودکان معمولی آسیب پذیرند، از علایق و سلیقه‌های متنوعی برخوردارند و خودپنداره مثبت‌تری دارند. همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه حاکی از آن است که همبستگی مثبتی بین هوش بالا و اسنادهای مثبت نسبت به خودباوری و انعطاف‌پذیری وجود دارد و نیز نوعی همبستگی منفی بین تیزهوشی

اخلاقی، تمرکز بر هیجانات در بافت اجتماعی و احساس خودباوری^۷ می‌شود. یکی از دلایل اصلی پرداختن به هوش هیجانی، این باور است که هوش هیجانی در برابر مفهوم سنتی هوش‌بهر، پیش‌بینی‌کننده بهتری برای موفقیت اجتماعی به شمار می‌رود (گلمن، ۱۹۹۵) و سازه آن با سازگاری روان‌شناختی پیوند دارد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). علی‌رغم این هوش هیجانی در نوجوانان کمتر از دانشجویان و بزرگسالان بررسی شده است.

دیوید چان (۲۰۰۳) در مطالعه خود روی ۱۵۸ معلم مقطع راهنمایی در هنگ‌کنگ به روش تحلیل عاملی دریافت که از بین چهار بعد هوش هیجانی یعنی خوش‌بینی^۸، آگاهی هیجانی^۹، احساس همدلی^{۱۰} و خودنظم‌دهی^{۱۱}، خودنظم‌دهی مثبت شاخص و پیش‌بین مهم خودباوری شناخته شد.

پونتنج (۲۰۰۳) در بررسی خود روی ۱۰۰ دانشجو در رابطه با هوش‌بهر و هوش هیجانی دریافتند که پسران نمرات بالاتری در هوش‌بهر نسبت به دختران می‌گیرند ولی در رابطه با هوش هیجانی، دختران و پسران، بطور کلی سطح مشابهی دارند.

پول^{۱۲} (۱۹۹۷) به نقل از دهشیری (۱۳۸۱) بیان می‌کند که هوش هیجانی عامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت تحصیلی و شغلی است. وی با انجام پژوهش بر روی ۲۷ نفر از دانش‌آموزان دریافت: میانگین نمرات تحصیلی دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی بالا از دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی پایین به‌طور معناداری بیشتر است.

براساس پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۸۵)، هوش هیجانی ۶۷ درصد واریانس مربوط به موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و ۵۹ درصد واریانس مربوط به موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پسر را تبیین کرد. در این پژوهش، هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر به‌طور معناداری بالاتر از هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر به‌دست آمد و در بررسیها نشان داده شده است که دانش‌آموزان تیزهوش از لحاظ

و بعضی از انواع بیماری روانی دیده شده است (هربرت، کیت تای؛ ۲۰۰۴).

همچنین در پژوهش هربرت و کیت تای (۲۰۰۴) در پژوهش میان فرهنگی روی نمونه معرف متشکل از افراد ۱۵ ساله از ۲۶ کشور مختلف درباره خودپنداره کلامی و ریاضی و پیشرفت تحصیلی دریافتند که پیشرفت در ریاضی تأثیر مثبت روی خودپنداره ریاضی افراد داشت و اثر منفی روی خودپنداره کلامی دارد و پیشرفت کلامی نیز تأثیر مثبت روی خودپنداره کلامی افراد داشت و اثر منفی روی خودپنداره و پیشرفت ریاضی آنها دارد.

گراردی (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان داد که خودپنداره تحصیلی و نه مهارتهای شناختی عامل پیش‌بینی کننده اصلی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان اقلیتها و سطوح پایین اقتصادی است و نیز دریافتند که دانش‌آموزان سیاه پوست دارای خودپنداره بالا موفقیت تحصیلی بیشتری دارند تا آنهایی که خودپنداره پایینی دارند.

پژوهشهای مختلف نشان داده‌اند که دانش‌آموزان دارای خودپنداره تحصیلی بالا تلاشهای خود را به مثابه شاخص پیشرفت تحصیلی مثبت و تلاش پایین خود را به مثابه متغیر پیش‌بین پیشرفت تحصیلی پایین درک می‌کنند؛ بنابراین افراد، دانش‌آموزان گروه اول را حتی زمانی که موفق نمی‌شوند هم موفق تصور می‌کنند. (گراردی، ۲۰۰۵). در پژوهشی روی دانش‌آموزان ۱۴-۱۵ ساله انگلیسی، خودپنداره و رشد اجتماعی دانش‌آموزان در رابطه با همانندسازی با گروه همسالان نشان داده شد که دانش‌آموزانی که با هم کلاسیهای خود بیشتر همانندسازی می‌کنند، بالاترین سطح عزت نفس و خودپنداره مثبت را دارند و بالعکس (پونتج، ۲۰۰۳).

به‌طور کلی پژوهشهای متعددی نشان داده‌اند که وضعیت و جایگاه روانی نوجوانان در شبکه همسالان با شاخصهای متعدد مهارتهای اجتماعی و خودپنداره کلی مرتبط است (دتلفت و همکاران، ۲۰۰۵).

پژوهشها حاکی از آن هستند که خودپنداره دانش‌آموزان عمدتاً براساس بازخوردهایی که در مورد پیشرفت خود دریافت می‌کنند، شکل می‌گیرد و نیز برخلاف تصور، خودپنداره دانش‌آموزان در زمینه‌های مشابه، همبستگی خیلی کمتری (تزدیک صفر) دارد تا خود پنداره آنها در زمینه‌ها و موضوعات مختلف مانند خودپنداره کلامی^{۱۴} و ریاضی^{۱۵}.

پژوهشگران نشان داده‌اند که موفقیت تحصیلی با برخی ابعاد هوش هیجانی همبستگی بالایی دارد (چان، ۲۰۰۳). همچنین در پژوهشی نشان داده شده است که هوش هیجانی رابطه بین عملکرد تحصیلی و مهارتهای شناختی را تعدیل می‌کند (پارکر و همکاران، ۲۰۰۵) در مجموع نتایج پژوهشها حاکی است که برخی ابعاد هوش هیجانی و هوش شناختی با برخی از جنبه‌های خودپنداره مانند خودکارآمدی رابطه دارد اما به‌نظر می‌رسد تحقیقات در این زمینه جامع نیستند. هدف از پژوهش حاضر، مقایسه هوش هیجانی، هوشبهر و خودپنداره در بین دانش‌آموزان عادی و تیزهوش است.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کل دانش‌آموزان پسر و دختر بودند که در سال ۸۲-۱۳۸۱ در دبیرستانهای عادی و تیزهوش شهر اردبیل به تحصیل اشتغال داشتند. نمونه این تحقیق شامل ۴۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر مقطع متوسطه (۲۰۰ دانش‌آموز عادی و ۲۰۰ دانش‌آموز تیزهوش) شهر اردبیل بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. بدین ترتیب ابتدا از بین دبیرستانهای عادی، ۹ دبیرستان (با احتساب تراکم تقریبی ۲۳ نفر دانش‌آموز در کلاس) انتخاب و پس از آن از هر دبیرستان یک کلاس انتخاب شد. اما به لحاظ وجود فقط دو دبیرستان استعدادهای درخشان هر دو به عنوان نمونه انتخاب و از هر دبیرستان چهار کلاس به تصادف انتخاب شد (تراکم نسبی دانش‌آموز در کلاس ۲۶ نفر).

-آزمون هوشی آربی کتل (شکل ۳ فرم A):

یک آزمون نابسته به فرهنگ است که از ضریب پایایی بالایی در میان دانش‌آموزان دبیرستان برخوردار است. ضریب پایایی ۰/۸۶ در پژوهشی بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه بوستون به روش دو نیمه کردن و با استفاده از فرمول اسپیرمن-براون به دست آمده است. لازم به ذکر است که ابزارهای مذکور به صورت گروهی و در محل تحصیل آن تکمیل شدند.

یافته‌ها

ابتدا داده‌های به دست آمده برای متغیرهای هوشبهر، خودپنداره و هوش هیجانی برای دختران و پسران با استفاده از آزمون t دو گروهی مستقل تحلیل شد که نتایج آن در جداول ۱ و ۲ آمده است. متغیرهای هوشبهر، خودپنداره و هوش هیجانی که با آزمون t محاسبه شده معنادار است که توجه به مقادیر میانگینها نشان می‌دهد میانگین هوشبهر، خودپنداره و هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش دختر به طرز معناداری بالاتر از میانگین نمرات

ابزار

برای جمع آوری اطلاعات از ابزارهای ذیل استفاده شده است.

-پرسشنامه هوش هیجانی شوت^{۱۶} و همکاران:

این پرسشنامه شامل ۳۳ عبارت است که شوت و همکاران (۱۹۹۸) آن را براساس نظریه مایر و سالوی ساخته‌اند. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس کلی هوش هیجانی ۰/۸۴ گزارش شده است. در نمونه فارسی این پرسشنامه آلفای کرونباخ برای یک نمونه ۱۳۵ نفری از دانشجویان ۰/۸۸ برآورد شده است (به نقل از بشارت و همکاران؛ ۱۳۸۵: ۷۷). در این پژوهش پایایی این آزمون به روش کرونباخ برابر ۰/۸۶ به دست آمد.

-مقیاس خود پنداره راجرز که شامل دو فرم است: در این مقیاس بالا بودن خودپنداره به معنای عدم تطابق بین خود واقعی و خودآرمانی است. ضریب پایایی این آزمون نیز ۰/۸۳ است. در این پژوهش پایایی این آزمون به روش کرونباخ برابر ۰/۸۱ به دست آمد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای هوش هیجانی، هوشبهر، و خودپنداره در دانش‌آموزان دختر و پسر تیزهوش و عادی و مقایسه متغیرهای فوق در آنها

t	پسر				t	دختر				متغیر
	تیزهوش		عادی			تیزهوش		عادی		
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
-۱۱/۳۳ ۰/۰۰۱	۱۲/۸۳	۱۲۱/۳	۱۶/۱۷	۹۷/۹۸	-۱۴/۸۰ ۰/۰۰۱	۱۱/۳	۱۲۳/۱۷	۱۶/۵۱	۹۲/۷۲	هوشبهر
-۳/۴۴ ۰/۰۰۱	۳/۳۷	۹/۸	۳/۵۳	۷/۷۷	-۲/۹ ۰/۰۰۱	۴/۰۸	۱۰/۳۰	۴/۷۲	۸/۵۰	خودپنداره
-۱/۶۳ ۰/۱	۲/۷۷	۱۰/۲۴	۲/۱۳	۹/۶۶	-۳/۶۶ ۰/۰۰۱	۲/۴۰	۱۱/۱۳	۲/۶۱	۹/۳۰	هوش هیجانی

پسر بالاتر است. اما بین این دو گروه در زمینه هوش هیجانی تفاوت معناداری مشاهده نشد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تفاوت

دانش‌آموزان عادی دختر است؛ همچنین نتایج تحلیل نشان داد میانگین هوشبهر و خودپنداره دانش‌آموزان تیزهوش پسر به طور معناداری از دانش‌آموزان عادی

جدول ۲- مقایسه متغیرهای هوش بهر، خودپنداره و هوش هیجانی در دختران و پسران تیزهوش و عادی

t	عادی				t	تیزهوش				متغیر
	پسر		دختر			پسر		دختر		
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱۴/۸ ۰/۰۰۱	۱۶/۱۷	۹۷/۹۸	۱۶/۵۱	۹۲/۷۲	۱/۴۲ ۰/۱	۱۲/۸۳	۱۲۱/۳	۱۱/۳۰	۱۲۳/۱۷	هوشبهر
۶/۲ ۰/۰۰۰۱	۳/۵۳	۷/۷۷	۴/۷۲	۸/۵	۱۱/۵۲ ۰/۰۰۱	۳/۳۷	۹/۸	۴/۰۸	۱۰/۳	خودپنداره
۰/۰۱ ۰/۲۱	۲/۱۳	۹/۶۶	۲/۶۱	۹/۳۰	۲/۸۸ ۰/۰۰۳	۲/۷۷	۱۰/۲۴	۲/۴	۱۱/۱۳	هوش هیجانی

هماهنگ است. همچنین با یافته احمدی رق آبادی (۱۳۸۴) مبنی بر وجود تفاوت معنادار در هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان دختر عادی همخوان است. اما در مورد پسران با نتایج پژوهشهای فوق همخوانی ندارد. این یافته نشان می‌دهد که در مدارس تیزهوش پسرانه، پرداختن به مسائل روان‌شناختی و دادن آموزشهای لازم به دانش‌آموزان در این زمینه در کنار موضوعات تحصیلی ضرورت بیشتری دارد.

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که بین خودپنداره دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معنادار وجود دارد؛ به عبارتی دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان عادی از خودپنداره مثبت‌تری برخوردارند و تفاوت بین خود واقعی و آرمانی آنها کمتر است. این یافته در مورد هر دو گروه دانش‌آموز دختر و پسر صادق است. این نتایج در پژوهشهای هربرت و کیت تای (۲۰۰۴)، گاردی (۲۰۰۵) نیز به‌دست آمده است.

در پژوهش حاضر همچنین تفاوت بین هوش هیجانی دختران و پسران تیزهوش معنادار بود. به‌طوری‌که هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش دختر از تیزهوش پسر بالاتر بود. این یافته نیز با نتیجه حاصل از مطالعه احمدی رق آبادی (۱۳۸۴) مبنی بر بالاتر بودن هوش هیجانی دختران تیزهوش نسبت به پسران تیزهوش همخوان است.

میانگین دانش‌آموزان دختر و پسر تیزهوش در متغیرهای خودپنداره و هوش هیجانی معنادار است. به عبارتی میانگین خودپنداره و هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش دختر بالاتر از دانش‌آموزان تیزهوش پسر است. اما در مورد هوشبهر تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان دختر و پسر تیزهوش مشاهده نشد.

در میان دانش‌آموزان عادی، میانگین هوشبهر پسران به نحو معناداری بالاتر از میانگین هوشبهر دختران است. اما میانگین خودپنداره دانش‌آموزان دختر عادی به نحو معناداری بالاتر از میانگین خودپنداره دانش‌آموزان پسر است. در مورد هوش هیجانی، تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان دختر و پسر عادی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش دختر از دانش‌آموزان عادی دختر بالاتر است. اما در مورد پسران تفاوت معناداری مشاهده نشد. این یافته در مورد دختران با نتایج پژوهش هربرت و کیت تای (۲۰۰۴) و پول (۱۹۹۷)، به نقل از دهشیری (۱۳۸۱) مبنی بر بالاتر بودن هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش از دانش‌آموزان عادی،

سال تحصیلی ۸۴-۸۳ شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان.

بشارت، محمد علی؛ شالچی، بهزاد؛ شمسی پور، حمید (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۲ ش ۳ و ۴ صص ۷۳-۸۵.

دهشیری، غلام رضا. (۱۳۸۱). *هنجاریابی پرسشنامه هوشبهر هیجانی بار-آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران و بررسی ساختار عاملی آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

کروثی، رستم علی. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه بین خودکارآمدی عمومی و سلامت روان در دانش‌آموزان پایه سوم مقطع متوسطه شهر بابل در سال تحصیلی ۸۲-۸۱*، پایان نامه دکتری. دانشکده روان شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

اما تفاوت بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر عادی معنادار نبود که با یافته پونتنج و همکاران (۲۰۰۳) مبنی بر سطح یکسان هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر و پسر هماهنگی دارد.

در این پژوهش هم در بین دانش‌آموزان تیز هوش و هم در بین دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان دختر خودپنداره مثبت‌تری از دانش‌آموزان پسر داشتند که با توجه به وضعیت تحصیلی بهتر دانش‌آموزان دختر در مقایسه با دانش‌آموزان پسر و رابطه مثبت موفقیت تحصیلی و خودپنداره، این یافته منطقی به نظر می‌رسد.

به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کنند که در پژوهش‌های خودپنداره و هوش هیجانی توجه به عامل جنسیتی مهم است و در مدارس تیز هوش در کنار آموزش‌های درسی، پرورش مهارت‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان نیز اهمیت فراوان دارد.

یادداشتها

- 1) Emotional intelligence
- 2) Perception
- 3) expression
- 4) Understanding
- 5) Managemen
- 6) Sareni
- 7) Self-efficacy
- 8) Optimism
- 9) Emotional awareness
- 10) Empathy
- 11) Self-regulatio
- 12) Poul
- 13) Gifted-children
- 14) Verbal self-concept
- 15) Mathematical self-concept
- 16) Shoutte

منابع

- Bar-On, R. (1997). A measure of Emotional and social intelligence in Chicago. *Canadian Journal of Behavioural Science* 18, 123-131.
- Berger, J.B., Milem, J.F. (1999). The role of student involment and perceptions of integration in a causal model of student persistence. *Research in Higer Education*, 40. 641-664.
- Chan, D. (2003). Perceived emotional intelligence and self-efficacy among Chinese secondary school teachers in Hong-Kong. *Personality and Individual Differences*. 306.1781-1795.
- Detleft, H., Rost, Jorn., R. Sparfldt, Oliver Dick Hauser. (2005). Dimensional comparison in subject- specific academic self- concepts and achievement : A quasi - experimental approach. *Learning and Instruction*. 557-570.
- Gerardi, Steve Self-concept of ability as predictor of academic success among urban technical college students. *The social science journal. Journal of Educational Psychology*. (2005). 42.295-300.

احمدی رق آبادی، علی (۱۳۸۴). *بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و بهداشت روانی در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان*

- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*. New York, NY, USA: Bantam Books.
- Herbert, W., Marsh Kit-Tai Hau. (2004). Explaining paradoxical relations between academic self-concepts and achievements: Cross-cultural generalizability of the internal/ external frame of reference predictions across 26 countries. *Journal of Education Psychology*. 96.56-67.
- Hoge, R.D. & Renzulli, J.S. (1993). Exploring and link between Giftedness and self – concept , *Review of Education Research*. 63, 449-465.
- Jennifer, D., Shapka., Daniel P. Keating. (2005). Structure and change in self concept during adolescence. *Canadian Journal of Behavioural Psychology*. 37.83.96.
- Johnsin. J.L. (1997). Commuter college students: what factors determine who will persist and will drop out? *College Student Journal* , 31. 323-332.
- Mayer, J.D., & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D.J. Sluyter (Eds.), *Emotional Development and Emotional Intelligence: Educational Implications*. (PP. 3-31). New York, NY, USA: Basic Books.
- Parker, D., A. Ronald, E. Cregue, SR. David, L. Barnhart, Jan Irons Harris, Sarah, A., Majeski, Hogan. . (2005) Academic achievement in high school: Does emotional intelligence matter? *Personality and Individual Differences*. 37.2004.
- Parker, J.D.A., Summerfeldt, L.J., Hogan, M.J., & Majeski, S.A. (2004b). Emotional intelligence and academic success: Examining the transition from high school to university. *Personality and Individual Differences*, 36, 163- 172.
- Petrides, K.V., Frederickson, N., & Furnham, A. (2004). The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school . *Personality and Individual Differences*, 36 , 277-239.
- Poonteng, Tatt. (2003). Emotional intelligence predict unique variance in life satisfaction beyond IQ and personality . *Personality and Individual Differences* . 38.1353-1364.